

## مر عوب نمیشویم!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

اعتصاب دوباره کارگران معدن بافق، حمایت وسیع مردم بافق از اعتصابیون، تیر خلاصی بر پیکر دولت "امید و اعتدال" جمهوری اسلامی است. این حرکت و همه اعتراضات کارگری که در جریان است، اعلام این واقعیت است که طبقه کارگر بیشتر از این به بورژوازی و نمایندگان آن فرصت نمیدهد! اعلام آگاهی بر این واقعیت است که ادعاهای دهان پرکن گشایش اقتصادی برای طبقه کارگر در چارچوب جمهوری اسلامی، پوچ است! و مهم تر اینکه طبقه کارگر همچنان به دنبال راهی دیگر برای بهبود زندگی خود، به نیروی خود، است.

مشکل امروز جمهوری اسلامی با اعتصابیون بافق نه با مضمون مطالبات آنها، که اعلام رسمی این حکم کارگران به بورژوازی ایران و نمایندگان آن در حاکمیت است، که "انتظار بس است!" گسترش این تقابل و سرایت آن به بخشهای دیگر طبقه کارگر کابوس واقعی جمهوری اسلامی است. ... صفحه ۳

## تبلیغات کثیف نژادپرستانه!

مظفر محمدی

برای گله ی حزب الله و مزدوران خانگی جمهوری اسلامی از کیسه ی مردم خرج می کند، نماینده مجلس اش کارگران افغانی و خانواده هایشان را بعنوان کسانی که آمده اند و از مدارس و امکانات پزشکی و شغلی مملکت استفاده می کنند، مورد حمله نژاد پرستانه قرار می دهد.

شرایط کار و زندگی کارگران افغانی برای هر انسان شرافتمندی در ایران روشن است. این کارگران سخت ترین کار را با کم ترین دستمزد انجام می دهند. آنها اغلب توان کرایه کردن اطاقی را هم ندارند و چه بسا روی کارتن ها و در خیابان ها می خوابند. کارگران افغانی بعنوان مهاجر و پناهنده فاقد هر گونه حقوق اجتماعی و حمایت انسانی از جانب دولت هستند. ... صفحه ۴

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

اعتراض مردم مبارز  
سنندج علیه داعش و

سلفی گری  
صفحه ۴

حسن آذین نماینده مجلس اسلامی که خود را نماینده مردم رفسنجان می نامد، در مجلس اسلامی به تبلیغات کثیف، بی شرمانه و نژادپرستانه ای علیه کارگران افغانی مقیم منطقه دست زده است.

این نماینده نژاد پرست گفته است:

"با توجه به اینکه حضور افغانه در بیشتر شهرها ممنوع شده اغلب افغانی های غیرمجاز به شهرستان رفسنجان هجوم آورده اند و ضمن اشغال بسیاری از فرصت های شغلی مشکلات اجتماعی فراوانی از جمله ازدواج های غیرقانونی، اشغال تخت های درمانی و کلاس های آموزشی را در پی داشته است." تف به این بی شرمی!

این فاشیست اسلامی، همچنین کارگران و مهاجرین افغانی را به انجام جرم و جنایت و از جمله جمع آوری کمک برای داعش متهم کرده است. چه بی شرمی ای بالاتر از این است، کسانی را که خود از طالبان و جنگ قومی و مذهبی در افغانستان فرار کرده اند را به همکاری و حمایت از طالبان دیگری چون داعش متهم کرد!

جالب است، حکومتی که کرور کرور برای سازماندهی جریانات ارتجاعی مذهبی و تروریستی از لبنان و فلسطین تا عراق و دیگر نقاط جهان و

سپتامبر

فواد عبداللهی

"آتش بس" غزه؛

یک بر صفر بنفع

السیسی!

در توافق "آتش بس دائم" در نوار غزه که روز ۲۶ ماه اوت به امضاء طرفین رسید، به این ترتیب: ۱- بورژوازی عرب در قامت السیسی و در مقام داور و قدرت منطقه ای عرض اندام کرد، ۲- جایگاه برتر اسرائیل بر باد رفت! و بالاخره ۳- مسئله تشکیل دولت سکولار فلسطین بار دیگر به پشت صحنه رانده شد!

۱- ضرورت حفظ مقام برتر اسرائیل در خاورمیانه با یک تازی آمریکا و غرب در دوران جنگ سرد، سال ها بورژوازی عرب را به "عقب ماندگی" و مطیع غرب، محکوم و در سایه نگه داشته بود. ساختاری که اجازه داده بود که طی سال های طولانی، مشکلات اقتصادی، اجتماعی، حتی درگیری های غرب با شوروی سابق توسط کاخ سفید و دول غربی در قلب آنچه "بحران فلسطین" می خواندند به اصطلاح حل و فصل شود. با "پیروزی دموکراسی" غربی بر قطب رقیب، نقش کلیدی خاورمیانه و بالطبع اسرائیل برای غرب رو به افول گذاشت. دسترسی جهان عرب به کانال "توسعه و شکوفایی" سیاسی - اقتصادی جهان متمدن، که در هاله ای از ابهام بود با عروج مجدد بورژوازی عرب و سهم خواهی برابر با غرب و آمریکا همراه شد. ... صفحه ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

این سرنگونی ناتو ای که قرار بود صدور دوباره دموکراسی، روسای جمهور "مادام العمر" و "دیکتاتور" را که همگی از قضای روزگار دست نشانده و نوکر خودشان بودند سرنگون کرده و "ملت ها" را در برابر "انتخابات آزاد" بین طاعون و وبا قرار دهد، امروز با عقب نشینی آمریکا از خاورمیانه و انزوای اسرائیل در منطقه و همزمان با سهم خواهی بورژوازی عرب همراه شده است. در این اوضاع، برای بورژوازی غرب، دیگر هویت اسرائیل، خود به معضلی بر سر کاهش فشار بورژوازی عرب در موازنه ای بمراتب مهمتر بین رقابت با روسیه و چین تبدیل شده است. کاریکاتور جنگ با "حماس" و قتل عام مردم بیدفاع غزه با دستور فاشیستی به نام نتانیاهو در واقع بر متن از دست رفتن آن جایگاه والای همیشگی از جانب دست راستی ترین محافظ دولت اسرائیل و تزلزل در صفوف مدافعین غربی آن و بالطبع عواقب انزوایی است که امروز به اسرائیل تحمیل شده است. خلاصه کردن این بحران گسترده از جانب هیئت حاکمه اسرائیل و رسانه های غربی که به صراحت از راس هرم "اداره" می شد، به تونل ها و تحرکات حماس و عباس در قاعده هرم، بیشتر به آماده خوری ایدئولوژیک می ماند تا تحلیل. امروز راس این هرم را بورژوازی عرب با ریاست دولت مصر فتح کرده؛ قاعده اما بحال خود باقی است. السیسی در راس بورژوازی بزرگ مصر پس از طی کردن دوره بحران حکومتی خود، اینبار بعنوان نماینده بورژوازی عرب در منطقه، موقعیت از دست رفته خویش را احیا کرد. کشتار مردم غزه امکانی به بورژوازی مصر داد تا بعنوان نماینده قدرتمند دنیای عرب قد علم کند.

۲- دولت اسرائیل باخت! ایدئولوژیک و سیاسی باخت. جناح قوم پرست در نوک هیئت حاکمه آن، سینه ها چاک کرد تا نقش حماس و ایران را بعنوان محور شر به خورد افکار عمومی دهد. تلاشی که به حکم شرایط مادی امروز جهان و منطقه محکوم به شکست بود. بر خلاف پروپاگاندای جنگی دولت اسرائیل بر متن حمله به غزه، دولت ایران بار دیگر نشان داد که "مسئله فلسطین" و دخالت اش در آن تاریخا چیزی نبوده جز گرفتن امتیاز از غرب و آمریکا؛ امروز نیاز حیاتی ایران به غرب، در حقیقت دخالت ارتجاع اسلامی حاکم بر ایران در آینده فلسطین را غلاف کرده؛ تجزیه و تلاشی اردوی ارتجاع اسلامی به شیعه و سنی در اوضاع خاورمیانه نیز، خود گواه محدود کردن میدان مانور یکپارچه این نیرو در قواره گذشته آن است. اما پشت پرده

نشسته اند یا متخصص سرکوب بهار عرب اند یا کارچاق کن و کارشناس تخریب جامعه. صلح واقعی و تشکیل دولت مستقل فلسطین تنها با کنار زدن کمپ این مرتجعین و به رهبری آزادیخواهان در منطقه امکان پذیر است. دولت سکولاری که انترناسیونالیسم کارگر و برابری طلبی عمیق مردم منطقه ضامن آن باشد. چنین دولتی بدون هژمونی سیاسی افق سوسیالیستی چه در اسرائیل و فلسطین و چه در مصر، حاصل نمی شود.

## طاق زدن به شیوه ناسیونالیسم کرد!

رویدادهای اخیر در کردستان عراق، قتل عام و آوارگی مردم شنگال در برابر هجوم وحشیانه داعش، عمق تبانی ناسیونالیسم کرد با این نیروی سیاه را به نمایش گذاشت. اگر ناسیونالیسم کرد قرار است حیات یابد، داعش باید فعال بماند. اگر سران این جنبش که تا دیروز در کردیورهای وزارت خارجه آمریکا، ایران، عراق و ترکیه، پلاس و جوک سر زبان ها بودند، از قرار معلوم امروز باید از نو تطهیر شوند.

اگر علاوی و طارق الهاشمی و طریقه نقشبندی، در تبانی با داعشی ها برای اشغال برخی شهرها و روستاهای عراق دست داشتند، یک "داعش کردی - اقلیمی" هم در تبانی با "داعش عربی"، مردم را گوشت دم توپ "مصلحت ملت کرد" کرد. "مصلحتی" که قرار بود تحت نام "مقاومت"، شنگال را با کرکوک طاق زند. "مصلحتی" که مردم را به امید کمک آمریکا و اروپا و ایران و ترکیه خوش بین، و در انتظار فاجعه نگه داشته است.

این آن موقعیتی است که احزاب و جریانات ناسیونالیست کرد در ایران را ذوق زده کرده و بخود جسارت می دهند جای "مردم کردستان" نشسته و مستقل از اینکه چه می گویند و چکار می کنند صاحب مادرزاد مبارزه "ملت" و صاحب عزادار مصائب آنها محسوب شوند. بیش از دو دهه هماهنگی منطقه ای، افزایش تنش و تفرقه قومی، تلاش برای تحمیل واگرایی سیاسی، و نهایتا استحکام بخشیدن به دولت اقلیم از طریق بی حقوقی و سرکوب عریان مردم زحمتکش جامعه کردستان بکمک دستگاه امنیتی "آسایش" در کنار چپاول گمرکات، و ساخت و پاخت با دول همسایه، از جمله کارکردهای مشکوک در این منطقه است. ←

تبلیغات جنگی و گردنه بگیری آشکار دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین، مقابله با سهم خواهی و عرض اندام بورژوازی عرب بر متن اوضاع امروز خوابیده است. مردم بیگانه غزه در این دوره، تاوان هیبت از دست رفته اسرائیل را پرداخته اند. هیبت محکوم به هزیمتی که بر متن شرایط و ضرورت های اجتناب ناپذیری بنا شده که مدتهاست مهر خود را بر چهارچوب ژئوپلتیک جهان معاصر و خاورمیانه کوبیده است. "آتش بس دائم" و کشیدن لگام هیئت حاکمه اسرائیل توسط "گاد فادر" السیسی پای این توافق، نشان داد که هیچ درجه از جنون و قساوت علیه مردم فلسطین نمیتواند موقعیت ممتاز دیروز اسرائیل در مقابل بورژوازی عرب در خاورمیانه را باز گرداند. بعلاوه اینکه، ماحصل جنون و فاشیسم فشرده در هیئت حاکمه اسرائیل تنها به مردم نوار غزه و فلسطین محدود نمانده بلکه در افکار عمومی، به نفرت از صهیونیسم دامن زد. اعتراض به راست حاکم در این کشور، محکوم کردن صهیونیسم هیئت حاکمه اسرائیل از طرف بشریت آزادیخواه، زمین لرزه ای بود که ابعاد انزوای سیاسی - ایدئولوژیک اسرائیل را نشان داد. مهم نیست مراجع ارتجاع بین المللی همچون ناتو و آقای "بان کی مون" چه میگویند. از نظر افکار عمومی دنیا اسرائیل بازنده سیاسی این جنگ بود. صهیونیسم هیچ زمانی مانند امروز نه فقط مشروعیت خود در حمله به مردم فلسطین که حاکمیت خود در اسرائیل را از دست نداده بود.

از هم اکنون تنمه این جریان ارتجاعی در میان بخش وسیعی از خود جامعه اسرائیل رو به اضمحلال دارد؛ اما همه اینها هنوز کافی نیست. این راست باید در یک جدال سیاسی داخلی از سوسیالیسم و طبقه کارگر و سکولاریسم در خود اسرائیل بطور قطع شکست بخورد. این نبرد هنوز شروع نشده است.

۳- و اما "تشکیل دولت مستقل فلسطین" طعمه احیای موقعیت دولت مصر بعنوان نماینده بورژوازی عرب در منطقه شد. دولتی که اینبار مستقلا پایه های حکومت نظامی خود را نه بر پاشنه "توکری" برای غرب بلکه بر خاکستر یک انقلاب توده ای علیه مبارک و در دل هزیمت آقایی آمریکا و دول غربی بر منطقه شکل داده است؛ دولتی که از منظر بورژوازی عرب، ناصر دیگری را در آشیان به بیضه نشسته است و در اوضاع سیاه امروز منطقه توانسته منافع بورژوازی مصر را همچنان مصون و پاسداری کند. در نتیجه، بازیگران این "آتش بس" که در قفای آن

این تقابل باید فوری سرکوب میشد. کشیدن پای گارد ضد شورش به معدن، دستگیری کارگران، امنیتی کردن فضای شهر، تلاش در بوجود آوردن فضای رعب و وحشت یکی بعد از دیگری شکست خورد. ناچار شدند گارد ویژه را از معدن بیرون بکشند. دستگیری کارگران نه تنها کارگران بافق را وادار به عقب نشینی نکرد که برعکس خانواده دستگیر شدگان و مردم شهر را هم وارد این جدال کرد. خانواده دستگیر شدگان، فرماندار شهر را در دفترش زندانی کردند و خواهان آزادی دستگیر شدگان (گروگان‌هایشان) شدند. علیرغم تلاش جمهوری اسلامی هنوز تجمع

→ واقعیت این است که این "پیشرفت" ناسیونالیسم کرد، محصول پادویی در بارگاه پنتاگون و چانه زنی با دول مرتجع منطقه است. اینها ابزار توجیه لشکرکشی آمریکا و ناتو به عراق بوده اند. جریانی که از قول یک ملت محروم و بر متن تباهی جامعه عراق، هر روز در صفحه تلویزیونها حمایت خود را از میلیتاریسم غرب ابراز کرده؛ با آن همساز و هم جهت شده و به مصیبت ملت دیگری لبخند زده است. اینها تاریخا ابزار ایجاد شکاف قومی اند؛ شکافی که بجرم تلاش برای پر کردن آن کمونیست های زیادی جان خودشان را گذاشته اند. حمایت از کاخ سفید و در اردوی آمریکا قرار گرفتن، آن افتخاری است که این جنبش و سران اش به آن می بالند و لکه ننگی است که یک کمونیست بدامن اینها می بیند. شرم آور است که اینبار، بر متن بدبختی مردم می خواهند به نان و نوایی برسند. شنگال را دو دستی تحویل داعش دادند، نظاره گر قتل عام مردم بی دفاع در شنگال ماندند و بعد از آنکه گند مسأله درآمد داعیه مبارزه با داعش را، آنهم زیر سایه عمو سام دارند.

تردیدی نیست که سرنوشت امروز کردستان عراق بر حال و هوای کردستان ایران هم تاثیر گذار است. اما برای نیرویی که امروز میخواهد برای آزادی و برابری بجنگد، پاک کردن تولیدات پنتاگون و در راس آن داعش حیاتی است؛ سازمان دادن مقاومت نظامی مردمی، امروز تنها راه مقابله با طرح های ارتجاعی برای آینده عراق و خاورمیانه است. سازمان دادن این مقاومت و جنگ اما کاری است که تنها از یک نیروی کمونیستی، مترقی و سوسیالیستی ساخته است.

مردم برای آزادی دستگیر شدگان ادامه دارد. مدیر عامل شرکت سنگ آهن، مجبور شد اعلام کند که "شکایتی" از کارگران ندارد! مدیر عامل گناه دستگیری کارگران و کشیدن پای یگان ویژه به معدن را به گردن هیئت مدیره انداخت و مجبور شدند خزعبلاتی چون "گارد ضد شورش را نه برای سرکوب که برای ایجاد محیطی آرام برای مذاکره به معدن برده اند" را تحویل کارگران بدهند.

و به این ترتیب باز هم دستگاه سرکوب و ارباب دولت "امید و اعتدال" در مقابل پنج هزار کارگر معدن بافق به زانو در آمد. روشن شد که در مقابل یک حرکت توده ای و وسیع، دستگاه سرکوب و اوباش یگان ویژه و ... فلج است. تا همین جا کارگران بافق در چشم جامعه و هم طبقه ای هایشان، پیروز شده اند. این هراس از کارگران اعتصابی بافق است که ضرورت سرکوب از راه درگیری را در دستور کار جمهوری اسلامی میگذارد. تا به کمک سایر ابزارهای حاکمیت و سرکوب خود، تلاش کند که این حرکت عظیم کارگری را کنترل و خاموش کند. پس از عقیم ماندن تلاش های هیئت مدیره و مدیرعامل و گارد ضدشورش و یگان ویژه، پس از استفامت و پایداری کارگران و خانواده هایشان و تصرف تمام فضای اعتراضی شهر، و پس از بی خاصیت شدن انواع و اقسام وعده و وعیدها، در مقابل این اعتراض برای بهبود زندگی کارگران، آخرین کارت رژیم یعنی "امنیت نظام"، به بازی گرفته میشود.

آخرین حربه جمهوری اسلامی امنیتی کردن این مبارزه، پاپوش سیاسی و پرونده امنیتی درست کردن برای کارگران بافق و از این راه ایزوله کردن، تنها گذاشتن کارگران بافق و تحمیل یک عقب نشینی به آنان بود.

دولت "امید و اعتدال" به سیاق همیشگی جمهوری اسلامی که در مقابل هرتحرک جدی برای اندک بهبودی در زندگی، با چماق وابستگی به اپوزیسیون و پرونده سیاسی امنیتی برای فعالین کارگری به جنگ آنان میرود، کارت "امنیت نظام" را رو میکنند. در این زمینه البته از ترس "دست به عصا"، ابتدا از شایعه پراکنی چندین سایت پرو دولت اعتدال، شروع کرده اند. تا زمین زیر پایشان را تست کنند! تا اگر در این مورد هم تودهنی نخورند، مانند کارگران هفت تپه برایشان حکم دادگاه با اتهام روشن همکاری با اپوزیسیون و پول گرفتن از دولتهای بیگانه صادر کنند. زیرجلکی و از کنار بر این حرکت

مهر ارتباط با سازمانهای اپوزیسیون و برانداز زدند تا راه را برای پیشروی گنبدیده ترین نمایندگان خودگمارده در شورا اسلامی شهر و مجلس و ... باز کنند تا به "وکالت" از طرف کارگران اعتصابی مراسم مهوع وفاداری از نظام براه اندازند. نفس نیاز به خریدن مشروعیت و مقبولیت نظام نزد کارگران از این طریق، خود گواهی بر رابطه دولت و جمهوری اسلامی ایران با طبقه کارگر و میزان اعتبار و مقبولیت آن نزد کارگران است. اعمال فشار امنیتی بر کارگران اعتصابی برای گرفتن اعلام وفاداری به نظام، سند بی اعتباری نظام و دولت اعتدال آن نزد کارگران است. کفش و کلاه کردن نمایندگان مجلس و شورا اسلامی شهر، "به وکالت" از طرف کارگران اعتصابی و با مجیز گویی از جمهوری اسلامی قرار است کارگران بافق را زیر پرچم نمایندگان مجلس و شورای اسلامی به اعلام وفاداری به جمهوری اسلامی بکشاند. قرار است توجه کارگر را از قدرت متشکل خود در محیط کار و زیست خود، به انواع رجوع به نهادهای قانونی و درون رژیمی برای اعتراض "قانونی" و در توافق با دستگاههای رژیم بکشاند.

پرونده سازی علیه کارگران تازگی ندارد. جمهوری اسلامی و وزارت اطلاعاتش با همین پرونده سازی به مقابله با کارگران هفت تپه و شرکت واحد دست زدند. تحت نام ارتباط با بیگانگان و گرفتن امکانات و پول از کشورهای خارجی کارگران هفت تپه و شرکت واحد را روانه زندان کردند. تلاش میکنند که به این طریق جلوی فروریزی سد توهم به بهبود اقتصادی طبقه کارگر، و در مقابل کارگرانی که برای بهبود وضع زندگی به نیروی خود به میدان آمده اند، را بگیرند. و در مقابل سرایت آن به سایر بخش های طبقه کارگر، سد ببندند! اعلام شکایت کارگران بافق از جریانات، سایتها و اشخاصی که پرونده سازی را شروع کرده اند تودهنی به جمهوری اسلامی و طرفداران دولت اعتدال روحانی است. کارگران بافق اعلام کردند مرعوب نمیشویم! پرونده سازی علیه کارگران بافق فقط و فقط نشانه هراس از قدرت متشکل کارگر و سیاستی نقشه مند و برنامه ریزی شده علیه کل طبقه کارگر و هر نوع اعتراض بر حق و علیه هر نوع آزادیخواهی در این جامعه است و به همین عنوان باید مورد اعتراض طبقه کارگر و مردم آزادیخواه قرار بگیرد.

۸ شهریور ۱۹۹۳ - ۳۰ اوت ۲۰۱۴

مرکز بر جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

تبلیغات کثیف ...

ما قبلا هم بارها شاهد حملات و اتهامات کثیف از جمله تجاوز، دزدی و ... از جانب دستگاه های دولتی و امنیتی جمهوری اسلامی علیه کارگران و مهاجرین افغانی بوده ایم.

دولتمردان اسلامی تلاش بی شرمانه ی زیادی کرده اند که میان کارگران ایرانی و هم طبقه های افغانی شان تفرقه ایجاد کنند. تا دیروز این کارگران باعث بیکاری در مملکت بودند و دزد و مجرم و امروز با استفاده از دارو و مدارس جای دیگران را تنگ کرده و برای داعش هم کمک مالی جمع می کنند! و هر بار به این بهانه های بی شرمانه گروه گروه کارگران افغانی را با خانواده هایشان و با دستان خالی به جهنم افغانستان برگردانده اند علیرغم این تبلیغات و تمهیدات کثیف،

کارگران افغانی در مناطق مختلف ایران و در میان کارگران و زحمتکشان و خانوادههایشان از احترام و حمایت انسانی بیدریغ برخوردار بوده اند. مهاجرین افغانی سال ها است در میان مردم شهرها و مناطق ایران زندگی می کنند، رابطه دوستانه، رفیقانه و سرنوشت مشترکی را تجربه کرده و زندگی مشترک تشکیل داده اند، چیزی که نماینده ی مرتجع و نژاد پرست مجلس اسلامی ان را ازدواج غیرقانونی می نامد. تبلیغات نژادپرستانه ی حسن آذین زمینه ی تعرض دیگر دولت به کارگران و مهاجرین افغان در رفسنجان و دیگر مناطق را فراهم می آورد.

حملات و اتهامات نژادپرستانه ی حسن آذین نماینده مجلس اسلامی و همپالگی هایشان یک تعرض بی شرمانه و غیر قابل قبول است. کارگران افغانی بمثابه هم سرنوشتان و هم

طبقه ای های ما سزاوار بیشترین حمایت و احترام و برخورد برابر و انسانی اند. این نوکر سرمایه داران یک معذرت خواهی به کارگران افغانی و طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران بدهکار است. باید با تمام نیرو از کارگران و مردم جنگ زده و بی خانمان و فراری از جهنم افغانستان در مقابل حملات و تعرض مزدوران جمهوری اسلامی، حمایت کرد!

کارگران افغانی جزئی از طبقه کارگر ایران اند. گردانی از لشکر طبقه کارگر علیه سرمایه داران و نژادپرستانانی چون حسن آذین اند. کارگران افغانی و خانواده هایشان در مقابل نژادپرستان جمهوری اسلامی به حمایت هم طبقه ای های خود و به حمایت همه انسانهای شریف و آزادیخواه در شهرها و مناطق ایران نیازمندند. این حمایت یک وظیفه ی طبقاتی و انسانی است.

## دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) اعتراض مردم مبارز سنندج علیه داعش و سلفی گری

امروز پنجشنبه ۶ شهریور دهها نفر از جوانان و مردم مبارز شهر سنندج به فراخوان "فعالین ضد جنگ و خشونت شهر سنندج" در خیابان ناصر خسرو گرد آمدند و علیه داعش و سلفی گری و در دفاع از قربانیان خشونت در عراق و فلسطین و سوریه دست به اعتراض زدند.

در متن این فراخوان آمده است: "امروز خاورمیانه را جنگ و خشونت فرا گرفته است در یک سو نیروی فوق ارتجاعی و جنایتکاری همچون داعش سر میبرد و بازار بردگی به راه می اندازد و از سوی دیگر رژیم ضد بشری اسرائیل کشتار و قت عام میکند. خطر جنگ و خشونت هر روز بیشتر جان انسانها را تهدید میکند. مردم شریف و آزادیخواه سنندج: در راستای اعتراض به این وضعیت و حمایت از قربانیان، علیه جنگ و خشونت و علیه ارتجاع در منطقه از شما دعوت به عمل می آوریم در حرکتی اعتراضی به ما بپیوندید."

جوانان و شرکت کنندگان ضمن حمل پلاکارتهایی با سردادن شعارهایی علیه جنگ و جنایت در منطقه توجه مردم را به خود جلب

کرده بودند. مضامین پلاکارتها و شعارهای این آکسیون از این قرار بود: مرگ بر ارتجاع، مرگ بر داعش، مرگ بر سلفی، بیاد بیاورید اینجا سنندج است! یادتان میدهم به چه آتشی دست زده اید! از قربانیان جنگ و تروریسم دفاع میکنیم، تمامی طرحهای ارتجاعی برای آینده منطقه را محکوم میکنیم و یا سوسیالیسم یا بربریت.

نیروهای امنیتی و موتور سواران گارد ویژه سرکوب از ساعت ۴ بعداز ظهر خیابانهای ناصر خسرو و فردوسی را قرق کرده و مردم را مورد سؤال و جواب قرار میدادند. تظاهر کنندگان با هوشیاری کامل نیروهای خود را به خیابان اصلی شهر، خیابان ۶ بهمن، منتقل کرده و از آنجا تظاهرات خود را شروع و تا مقابل دادگاه انقلاب ادامه دادند.

فعالین ضد جنگ و خشونت در سنندج ضمن دفاع از آوارگان و قربانیان جنگ داعش در عراق، از قربانیان جنگ در فلسطین و سوریه که امروز به همت مدیای دست راستی و در خدمت اهداف جنایتکارانه دولتهای غربی و دولتهای مرتجع منطقه سکوت شده است، حمایت کردند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست از مردم مبارز شهر سنندج و شهرهای دیگر در کردستان که در این مدت علاوه بر راه

انداختن اعتراضات علیه داعش و سلفی گری و محکومیت جنایات آنها در عراق و سوریه، برای آوارگان دست به جمع آوری کمکهای مالی و... زدند صمیمانه حمایت میکند. ما یک بار دیگر تاکید میکنیم که داعش در همسایگی شما است. مقابله با داعش و پاک کردن محل کار و زندگی از این جانیمان و از داعشهای کردستان که به نام سلفی فعالیت میکنند، در گرو بسیج عمومی مردم، در گرو تنگ کردن فضای شهر و محلات بر هر ارتجاعی است که دست به تحریکات مذهبی و قومی میزند. باید کاری کرد که مرتجعین سلفی، قوم پرستان و محرکین نفاق کور مذهبی، کسانی که امنیت و آسایش جامعه را به خطر می اندازند، کسانی که علیه زنان و علیه فضای آزاد و انسانی و متمدن دست به تحریکات مذهبی و قومی میزنند، احساس امنیت نکنند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست(خط رسمی)  
۶ شهریور ۱۳۹۳ - ۲۸ اوت ۲۰۱۴

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

حکمتیست هفتگی را بخوانید و آنرا وسیعاً توزیع کنید.

کارگران جهان متحد شوید!